



13 آگست 2017

داکتر سید عبدالله کاظم

## بررسی تحلیلی و تاریخی معاهده آب دریای هلمند بین افغانستان و ایران (بخش هفدهم)

ادامه مبحث دهم

### پاسخ به بعضی سؤاها

سؤال نهم: آیا موضوع آب در جوار دیگر عوامل میتواند بوسیله دشمنان افغانستان موجب بی ثباتی در کشور گردد؟

موضوع "بی ثباتی" در افغانستان از نظر تاریخی دامنه وسیع تر دارد: در سالهای "بازی بزرگ" قرن 19 موقعیت استراتژیک افغانستان بین دو قدرت بزرگ و رقیب یعنی روس و انگلیس دچار بی ثباتی دوامدار گردید و موجب شد تا دو بار انگلیس ها به افغانستان لشکرکشی کنند و بکوشند با شعله و رساختن جنگ های داخلی بین مدعیان قدرت بر ادامه بی ثباتی در این خطه بیفزایند. حتی تصمیم بر آن شده بود که افغانستان تجزیه شود و نامش را از صفحه روزگار بردارند. اما این تصمیم دشمنان در قبال منافع سیاسی شان فوری تغییر کرد؛ روسها موافقه کردند تا افغانستان را خارج ساحه نفوذ خود بشناسند و لندن نیز به این نظر آمد که بجای تجزیه، یک حکومت مرکزی قوی را که در داخل آزاد و در روابط خارجی تحت قیمومیت انگلیس باشد، به حیث یک کشور حایل بین دو قدرت ایجاد نماید و حدود سرحداتش را مشخص سازد. با این ترتیب افغانستان به شکل امروزی درآمد. سالها بعد همین موقعیت استراتژیک بود که افغانستان را بار دیگر در دوره جنگ سرد بین شرق و غرب دچار حالتی ساخت که با اغماض یکطرف، ناگزیر روی به سمت دیگر آورد و این وضع تاحدی پیش رفت که کشور قدم قدم در آماج تجاوز عریان شوروی قرار گرفت و از آنوقت تاحال دیگر روی آرامش و ثبات را ندید.

امروز ثبات افغانستان به یک معضله بسیار عمیق و چند جانبه تبدیل شده است که در آن بر علاوه موقعیت استراتژیک، عوامل دیگر بیشتر نقش پیدا کرده و به همین دلیل عاملان بی ثباتی نیز در افغانستان به اشکال مختلف وارد صحنه عمل گردیده اند. حالا سه موضوع دیگر بطور مرئی و غیر مرئی در بی ثباتی افغانستان نقش بازی میکنند: یکی معادن و ذخایر زیر زمینی افغانستان که به تریلیون دالر تخمین شده است، دیگر مواد مخدر که به قرار احصائیه ملل متحد 90 فیصد آن در افغانستان تولید و از همین کشور به وسیله مافیای بین المللی به اقصی نقاط جهان رسانیده شده و به بلیونها دالر توسط شبکه های خاص مافیائی به آخرین مصرف کننده یعنی معتادان، بخصوص در کشورهای پیشرفته بفروش میرسد و بالاخره آب دریاها افغانستان که همسایه های تشنه این کشور را چنان وارخطا ساخته است که اگر افغانستان از ثبات و امنیت برخوردار شود و بتواند حاکم بر

د پانو شمیره: له 1 تر 5

افغان جرمن آنلاين په درنښت تاسو همکارۍ ته رابولي. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینگه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)

یادونه: دلېکنې د لېکنيزې بڼې پازوالي د لیکوال په غاړه ده، هيله من يو خپله لیکنه له رالیرلو مخکې په خیر و لولئ

ابهای خود سازد و با احداث بندها و انهار امکان استفاده از آبهای خود را در داخل کشور پیدا کند، در آنصورت با داشتن "حق حاکمیت ملی" و رعایت اصل "منصفانه و معقول" برطبق کنواسیونهای ملل متحد حق دارد از ابهای خود استفاده اعظمی نماید و استفاده از این حق موجب میشود تا آب دریا هائیکه از افغانستان منبع میگیرند، ولی بیشتر آن به کشورهای همسایه میروند، تقلیل پیدا کند.

اگر به اوضاع ناامن و بی ثبات کنونی کشور نظر انداخته شود، بیشترین عامل در وضع جاری همانا مواد مخدر است که در نهایت بوسیله مافیای پر قدرت جهانی در افغانستان بطور نامرئی گردانندگی میشود. کسانیکه به نام طالب و داعش و غیره سربالا کرده و هرروز به اشکال مختلف اعم از حملات انتحاری، مابین گذاری به روی جاده ها، اختطاف منفرد و گروهی و حتی کتلوی (طوریکه در قضیه میرزا اولنگ شبرغان در همین روزها دیده میشود)، حملات به قرارگاه های اردوی ملی، بغارت بردن سلاح کوتاه و غیره در واقع همه در دست همین مافیای بزرگ می چرخد. این مافیا است که جنگ سالارهای سابق را سازماندهی میکند و آنها را بقدرت های محلی خودکامه تبدیل میدارد، همین مافیا است که دستارهای سفید و سیاه را برسر ملیشه های اجیر خود می گذارد و از آنها چهره های پیشتاز در اسلامیت می سازد و بدانوسیله ماهیت گماشتگان خود را زیر نام دین اسلام پنهان میکند و مردم خوش باور افغانستان را در دام تذویر آنها می اندازد. همین مافیا است که نخبگان دولت و حکومت را با دادن پول به خود می کشاند و آنها را در سطح ماموران عالیرتبه و اما عمال خود قرار میدهد تا پای دستگاه حاکمه کشور را نیز با خود بکشاند و دستیار و شریک در معاملات مافیایی گرداند. خلاصه همین مافیای مواد مخدر است که عملیات خود را برای بی ثباتی کشور در سه ضلع یک مثلث نامقدس سازمان داده و به فعالیت می گمارد: ضلع ملیشیایی، ضلع فعالان تدارک مواد مخدر اعم از زارع، تاجر و قاچاقچیان داخلی که مواد را تا بیرون سرحد برسانند و ضلع حامیان سیاسی و اداری شان که عملیات دو گروه دیگر را مورد حمایت و پشتیبانی خود قرار داده و آزادی فعالیت های شانرا تضمین کرده و اگر به مشکل روبرو شوند، آنها با استفاده از قدرتی که در حکومت دارند، آن مشکل را مرفوع می سازند. فساد بزرگ اداری و بی ثباتی جاری در کشور از همین مرجع منبع میگیرد و روزبروز در حال گسترش میباشد و در نتیجه دولت به یک بخش مافیا تبدیل میگردد.

موضوع معادن و ذخایر زیر زمینی افغانستان که گفته میشود بعضی کشورها برای دستیابی به آن همین حالا در رقابت ها شروع کرده و هر یک کوشش میدارد تا میدان را برای خود در افغانستان خالی کند. با آنکه موضوع معادن افغانستان و دسترسی کشورهای دور و نزدیک با آن و استخراج و استحصال بعضی از آنها کار ساده نیست و سرمایه گذاریهای گزاف را در ساحات زیربنائی ایجاب میکند، اما بعضی از معادن کشور سهل الحصول بوده و نیز از نظر اهمیت دارای ارزش استراتژیک بسزا میباشدند، مثل "لیتیم" که موارد استعمال آن در صنایع پیشرفته جهان امروز از همه بیشتر مطمح نظر است. رقابت ها بین کشورهای ذیعلاقه در دسترسی به منابع زیر زمینی افغانستان در آینده، از همین حالا بطور محسوس بین رقبای منطقه و فرا منطقه به مشاهده میرسد که آنها نه تنها باندهای استخراج خود سر را به جان هم می اندازند، بلکه زمینه های جنگ را بین همین گروهها تقویه نموده و بی ثباتی را در کشور شدت می بخشند.

کشورهای همسایه نیز سعی میکنند تا افغانستان را بیشتر بی ثبات سازند تا این کشور نتواند با قایم کردن امن و ثبات بر منابع طبیعی خود حاکم شود؛ بخصوص آنهائیکه تشنه به آب افغانستان هستند، در صدد اند به این آتش هیزم بیشتر بپاشند. آنها میکوشند تا افغانستان موقع نیابد تا با احداث بندها و

انهار از آب خود استفاده کند و اگر بند یا سدی ساخته شود، می‌خواهند آنرا با دست‌های دراز خود که از سالها بدینسو از آستین ما افغانها بیرون شده‌اند، تخریب و از بین ببرند. پاکستان در زمان جهاد علناً در این راه اقدام کرد و خواست بند سروبی و بند نغلو را منفجر سازد و حالا تهدیدهایی در راه است که بند سلما را به نحوی از انحاء نیز تخریب کنند، چنانکه چندی قبل یک عده دشمنان افغانستان بر قرارگاه محافظان آن بند حمله کردند و تعدادی را کشتند و چند نفر را با خود بردند. همین امروز مورخ 12 اگست این خبر را بی بی سی پخش کرد که: مقام‌های محلی ولایت نیمروز در غرب افغانستان از بازداشت یک عامل حمله انتحاری در ولسوالی خاشرود این ولایت خبر داده که پنج روز پیش زمانی که گروهی از مخالفان مسلح به یک قرارگاه سرحدی در منطقه خیرآباد ولسوالی خاشرود این ولایت حمله کرده بودند، بازداشت شده و اعتراف کرده است که او و سه نفر دیگر که آنها در درگیری با قوای امنیتی کشته شده‌اند، همه شهروند ایران می‌باشند. ولسوالی خاشرود در 120 کیلومتری شهر زرنج مرکز ولایت نیمروز واقع است. پیش از این نیز شماری از مقام‌های افغانستان به خصوص در مناطق غربی این کشور که با ایران هم سرحد است، از دست داشتن اتباع ایرانی در ناامنی‌های این مناطق اطلاع داده بودند. خبر می‌افزاید که دیپلمات‌های ایران در افغانستان همواره ادعای حضور نیروهای ایرانی را در بین مخالفان مسلح رد کرده‌اند.

در زمان ریاست جمهوری محمد داؤد کار عملی بندکمال خان در 1353 رویدست گرفته شد و تا وقوع کودتای ثور 1357 بیش از 40 فیصد امور ساختمانی آن پیش رفته بود، متأسفانه که رژیم خلقی و پرچمی امور ساختمانی آنرا متوقف ساخت و همه وسایل و مواد ساختمانی که برای پیشبرد آن پروژه در محل جابجا شده بودند، همه به یغما برده شدند. همچنین پروژه اعمار بند برق کمال خان که در سال 1345 طرح ریزی شده بود، نیز تحقق نپذیرفت.

ماده هفتم معاهده منعقد 1351 آب دریای هلمند بین دو کشور حکم میکند که: «هرنوع ابنیه فنی مشترک که اعمار (احداث) آن بمنظور استحکام بیشتر رود در مواضعی که خط سرحد در بستر رود هلمند (هیرمند) واقع گردیده، لازم دیده میشود بعد از موافقت طرفین بر شرایط و مشخصات آن میتواند احداث گردد.» با وجود این قید جانب ایران در طول چند دهه اخیر بدون رعایت این ماده در آن محل دست به اقدامات یک جانبه زده و مغایر به آن ماده عمل کرده است و حتی کوشیده است تا جلو بعضی پروژه‌های افغانی را بیرون از محل متذکره ماده هفتم نیز بگیرد. از جمله میتوان به این اقدامات ایران اشاره کرد: «نارضایتی ایران از اعمار بند کمال خان تا آنجا مشهود میگردد که آنها چندین بار کوشیدند تا این بند را تخریب نمایند؛ دروازه‌های نهر "لشکری" زرنج را نابود کردند، کرانه‌های چپ دریای هلمند را با بلدوزرها هموار نمودند تا آب بیشتر بسوی ایران جریان یابد؛ بر علاوه تغییر نهر "جریکه" و بزرگسازی آن تا دو برابر، چهار نهر دیگر به نام‌های نهر حاجی شریف، نهر شاه گل، نهر گل‌میر اول و نهر گل‌میر دوم را حفر نمودند. با یک نیمه‌چاه ذخیره آب نامکمل در سال 1351، امروز ایران در حدود هفت یا هشت نیمه‌چاه ذخیره آب اعمار کرده است که در صورت قطع آب دریای هلمند نیز میتواند تا ده سال آب ذخیره داشته باشد. این درحالی است که اهالی شهر زرنج که در دو کیلومتری رود هلمند زندگی میکنند، از آب روزانه محروم‌اند و از این ناحیه رنج می‌برند. همسایه غربی از آب افغانستان، محض یک نل 4 انچه آب را گویا بطور خیراتی که انهم گاهی باز است و گاهی مسدود، به مردم زرنج کشیده است. ایران برعکس آب هلمند را به زابل، زاهدان، کرمان و سیعاً سوق داده و بالاخره تصمیم بر آنست تا آب هامون صابری را به بیرجند برساند. از دیر زمانی است که سران ایرانی معضل سهم و غصب هرچه بیشتر آب دریای هلمند را با افغانستان از راه دعوا،

د پانوی شمیره: له 3 تر 5

افغان جرمن آنلاین په درنښت تاسو همکارۍ ته راښوې. په دغه پته له مور سره اړیکه ټینګه کړئ [maqalat@afghan-german.de](mailto:maqalat@afghan-german.de)  
یادونه: دلیکني د لیکنيزي بني پازوالي د لیکوال په غاړه ده ، هیله من یو خپله لیکنه له رالیولو مخکې په خیر و لولئ

زورگوئی، پروئی، تخریب و دخالت های مختلف به پیش گرفته اند.» (اعظم سیستانی: «جغرافیای تاریخی و اقتصادی هلمند»، منتشره افغان جرمن آنلاین، صفحه 286، به حواله از گزارش سیدخالد مجروح منتشره "راديو کليد")

اظهارات اخير حسن روحانی رئیس جمهور جدید ایران مبین حقیقت فوق است که در بیانیه مورخ 3 جولای 2017 در "کنفرانس بین المللی مقابله با گرد و غبار" منعقدته تهران چنین گفت: «تهران نگران سدسازی در غرب افغانستان است و حکومت او نمی تواند در این مورد بی تفاوت باشد». این گفته ای او که یک حرف ناسنجیده و به دور از درایت سیاسی بود و ذکر اینکه حکومتش در موضوع "بی تفاوت" بوده نمیتواند، این ذهنیت را در افغانستان تقویت کرده که ایران اکنون میخواهد علناً یک جبهه جدید پیکارجویی را در برابر حکومت و مردم افغانستان باز کند.

ایران در سالهای 1347 قبل از امضای معاهده آب هلمند حاضر شده بود همزمان با معاهده مذکور قرارداد خرید آب را از دریای هلمند با حکومت آنوقت افغانستان امضاء کند که حکومت نوراحمد اعتمادی امضای همچو قرارداد را به مرحله بعدتر از امضای معاهده اصلی موکول کرد. در آنوقت حکومت ایران میدانست که آنها به آب بیشتر ضرورت دارند و باید آنرا از طریق خرید به حیث یک حق همیشگی همزمان با امضای معاهده تسجیل نماید و میخواست این ضرورت را از طریق عقد یک قرارداد مرفوع سازد. از آنوقت تا حال که مدت بیش از 40 سال میگذرد، ایران مقادیر فراوان آب افغانستان را بدون پرداخت وجه قیمت آن به یغما برده است و حالا که افغانستان به تازگی موضوع ساختن بند و انهار را در ساحات غربی کشور رویدست گرفته و به ساختمان فاز سوم بند کمال آغاز کرده است، حکومت ایران نگران شده که هرگاه ساختن بندها در آن ساحه بیشتر گردد، سیستان ایران به قلت شدید آب گرفتار خواهد شد. چون معاهده آب دریای هلمند منعقدته 1351 در سال 1356 بطور قطعی طی مراحل گردید و به حیث یک معاهده بین الدول با اعتبار حقوقی برگشت ناپذیر شناخته شد، لذا رئیس جمهور جدید ایران که در دوره کاری آینده خود نگران کمبود آب در استان سیستان میباشد، از همان روزهای اول اظهاراتی کرد که از نظر حقوقی بی اساس و شکل تهدید آمیز داشت.

اگر ایران فکر کند که این امتیاز را در بدل حق استفاده از بندر چاه بهار و استفاده از حق ترانزیت از آن کشور به نحوی به تبادل بکشاند، معنی توسل به فشار را میدهد، فشاریکه با روحیه حقوق بین الدول منافات دارد، در غیر آن اگر بخواهد در تخریب بندها و انهار افغانستان بوسیله گماشتگان خود اقدام کند، این عمل شان واضحاً یک عمل تروریستی محسوب میشود و اگر با این فشار بخواهد زمینه مفاهمه را در باره سه حوزه آبی دیگر افغانستان که بسوی ایران جریان دارد، آغاز کند، این موضوع را میتوان با پیشنهاد منطقی و دوستانه ارائه کرد، نه با تهدید و لحن آمرانه.

اظهارات اخير رئیس جمهور روحانی چنان وضعیتی را اکنون بین مردم افغانستان خلق کرده که اگر کابل در آینده در یک مذاکره احتمالی در مورد آب دیگر دریاهاى خود با جانب ایران انعطاف نشان دهد، افکار عمومی افغانستان آنرا نمی پذیرد. طور معلوم ایران و افغانستان چهار یا پنج حوزه ای آبی مشترک دارند که در مورد یکی از این حوزه های آبی یعنی آب دریای هلمند 44 سال قبل دو کشور یک قرارداد امضا کرده اند که از نظر حقوقی برای همیشه مدار اعتبار است و هیچ یک از دو کشور حق ندارد آنرا بطور یک جانبه لغو نماید. طوریکه شایع است، جانب ایران تاحال چند بارخواسته است تا در مورد حوزه های آبی مشترک دیگر با مراجع افغانی مذاکره کند و نظام حقوقی آبهای مشترک را روشن سازد. نا گفته نماند که فراه رود، خاشرود، دریای هاروت و حتی گرمسکی رود که هر چهار آن در مصب دریای هلمند جائیکه رود هلمند انتها می پذیرد، به هامون ها می ریزند و

اما در تابستان آب آنها بعضاً نارسیده به انتها در دل دشت ها خشک میگردند، نیز شامل حوزه آبی غرب کشور میباشند. از همه مهمتر حوزه "هریرود" است که در ساحه چشت شریف روی آن بند معروف سلما (تقریباً به فاصله 300 کیلومتر دورتر از سرحد مشترک افغانستان و ایران) اعمار گردیده و این دریا پس از عبور از حواشی شهر هرات بطرف غرب جریان داشته و در حصه اسلام قلعه بطرف شمال تغییر مسیر داده و یک قسمت سرحد مشترک بین افغانستان و ایران را تشکیل میدهد. هرگاه حکومت ایران بخواهد بدون درنظرداشت اصل حُسن همجواری و روابط دوستانه عنعنوی، از راهای گوناگون فشار وارد کند تا بطور یک جانبه از آب حوزه های فوق الذکرامتیاز بگیرد، اینکار جز آنکه موجب بهم خوردن روابط دوستانه بین دو کشور گردد، نتیجه ای دیگر بار نخواهد آورد.

اظهارات اخیر حسن روحانی رئیس جمهور ایران در مورد بندهای کجکی، هلمند و کمال خان با هیچ یک از توقعاتی که از موصوف به حیث یک شخصیت کمتر ایدئولوژیک، اصلاح طلب و خواهان ایجاد فضای دوستانه با دیگر کشورها برده میشود، همخوانی ندارد. اگر او در پی ترمیم و تفسیر اظهارات فوق الذکر خود به وجه دوستانه نبرآید، تنش و بی‌اعتمادی را میان دو کشور بیشتر میسازد، چنانکه اخیراً این احساس را میتوان در پذیرائی سردی که در میدان هوایی حین مواصلت اشرف غنی رئیس جمهور افغانستان به تهران صورت گرفت، به وضاحت مشاهده کرد و چنین عکس العملی را باید نیز از جانب افغانستان توقع داشت.

تتمت بالخیر

پایان کتاب

قابل توجه:

در ضمیمه معلومات مختصر در باره بند کجکی، بند کمال خان، بند سلما و بعضی دیگر از بندهای حوزه آبی غرب کشور در بخش اخیر گنجانیده شده است که در ادامه به نشر میرسد.